



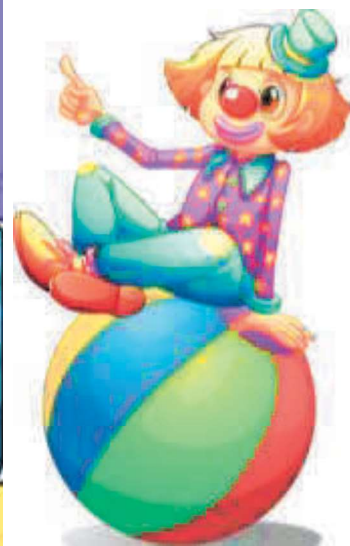
ادبیات فارسی پایه چهارم

درسنامه‌ی درس ۶ (آرش کمان گیر)



کلمات مترادف: به کلماتی گفته می شود که معنی آنها مثل هم است و کمک می کنند تا سخن ، زیبایی و تنوع خاصی پیدا کند .

نبرد : جنگ	توران : سرزمین های آسیای مرکزی	آفراسیاب : فرمانده سپاه توران
جیحون : نام رودی	پایداری : مقاومت	بُردباری : صبر
خاور : مشرق	فرود آید: پایین بیاید	مرز : حد فاصل بین دو قسمت یا کشور
زیرگوشی : پیچ پیچ کردن	تحقیر : خوار کردن ، بی ارزش دانستن	سامان : نظم
بپرد : پرواز کند	پولادین : مانند فولاد ، محکم	ماهر : استاد ، چیره دست
منتظر: چشم به راه	بی تاب : بی قرار	قامت : قد
نقص : عیب ، کمی و کاستی	گام : قدم	زمزمه : آوازی که به آهستگی و زیرلب خوانده شود
نگریست : نگاه کرد	تیزبال : سریع	استوار : محکم
نیم روز : وسط روز	تناور : تنومند و قوی	تیغه : لبه ی برنده شمشیر ، چاقو و ...



کلمات متضاد: کلماتی هستند که از نظر معنی و مفهوم ، مخالف هم هستند .

خاور ≠ باختر	پیروزی ≠ شکست	نا امید ≠ امیدوار	دشوار ≠ آسان
آشتی ≠ قهر	تنگ ≠ گشاد	بی جان ≠ جاندار	نزدیک ≠ دور
اندوهگین ≠ خوشحال	محکم ≠ شل	ماهر ≠ ناشی	



کلمات هم خانواده :

به کلماتی گفته می شود که **۳ شرط** زیر را داشته باشند :

شرط ۱ : از **یک ریشه** گرفته شده باشند.
(مثل اعضای یک خانواده که در یک خانه زندگی می کنند .)

شرط ۲ : حروف اصلی در کلمات هم خانواده باید به ترتیب **و پشت سر هم** بیایند

شرط ۳ : از نظر **معنی** به هم **نزدیک** باشند.



((جمله))

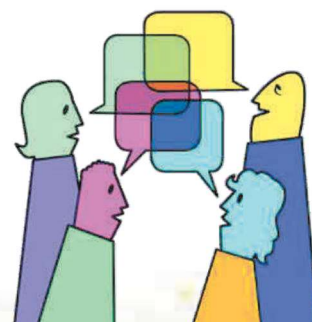
دانش زبانی

جمله از یک یا چند کلمه تشکیل می شود و باید پیام کاملی داشته باشد .
وقتی می گوییم ، دیروز با دوستم در خیابان این جمله کامل نیست و با آوردن فعل جمله کامل می شود . دیروز با دوستم در خیابان **قدم زدم** .

نشانه های ربط یا پیوند جمله :

گاهی یک حرف مانند ((و)) دو جمله را به هم وصل می کند و معنی دو جمله با هم ارتباط پیدا می کند . به این حرف نشانه ی ربط یا پیوند گفته می شود .

نشانه های ربط : و ، اما ، ولی ، تا ، از ، که ، زیرا



مرز را پرواز تیری می دهد سامان

پرواز یک تیر مرز را مشخص می کند .

گر به نزدیکی فرود آید

خانه ها مان تنگ

آرزومان کور

اگر آن تیر در فاصله ی نزدیک پایین بیفتد خانه هایمان تنگ و کوچک خواهد شد آرزوهایمان از بین خواهند رفت

ور بپرد دور

تا کجا ؟

تا چند ؟

و اگر تا دوردست پرواز کند تا کجا ؟ تا چه اندازه ؟

آه کو بازوی پولادین و کو سرپنجه ی ایمان ؟

آه ، کجاست آن بازوی محکم و نیرومند و کجاست آن ایمان قوی ؟

آری ، آری ، جان خود در تیر کرد آرش

بله ، بله ، آرش تمام توان و قدرت خودش را به تیر منتقل کرد

کار صدها ، صد هزاران تیغه ی شمشیر کرد آرش

کاری که آرش کرد برابر با کار صدها یا صد هزاران شمشیر بود

کلمات مترادف شعر باران :

گهر : مخفف گوهر	آرد : آورد	دیرین : قدیمی	چُست : چابک	پنهانی : پنهانی
همچو : مثل	تندر : صدای رعد و برق	وارونه : برعکس	گوهَر فشانِی : پراکندن مروارید	گوهَر فشانِی : گوهَر فشانِی
جاودانی : همیشگی	گوارا : دلچسب			